

کیهان

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

صندوق ذخیرهٔ کارکنان دولت

(س) آیا مطالبی که تحت عنوان صندوق پس‌انداز، قانون نسزّی، صندوق تأمین آتیه و... از حقوق و مزایا کسر و در پایان مدت خدمت (هنگام بازنشستگی) یک‌جا پرداخت می‌شود، متعلق است؟

(ج) اگر این مطالب بدون اختیار از حقوق کسر می‌شود، جزء درآمد سال وصول است که اگر تا سال سار خمسی در مثنوه مصرف نشود، خمس دارد؛ اما اگر با توافق کسر می‌شود و قابل دریافت است، باید در پایان هر سال خمس آن پرداخت شود و اگر قابل دریافت نیست، پس از دریافت باید بلافاصله خمس مقداری که قبلاً سال بر آن کشته‌است، پرداخت شود و مقداری که مربوط به سال اخیر است و هنوز سال خمسی بر آن نگذشته است، جزء درآمد سال وصول است.

عدم مراجعه مشتری

برای تحویل جنس

(س) مشتری جنسی را سفارش می‌دهد و بیعانه هم می‌دهد و سازنده می‌گوید پنج روز دیگر سفارش شما آماده‌است، اما مشتری برای تحویل هیچ‌وقت مراجعه‌نمی‌کند، وظیفه سازنده‌نسبت به فروش جنس ساخته شده و بیعانه چیست؟

(ج) اگر معامله با مشتری تمام شده است، در صورت مایوس شدن از آمدن مشتری، سازنده می‌تواند جنس مذکور را بفروشد و حق خودش را بردارد و باقیمانده آن را از طرف صاحبش به فقرأ صدقه بدهد و بنابر احتیاط مستحب از مرجع یا وکیل او اجازه بگیرد.

موقوفات مسجد

(س) از آنجا که درخصوص وسائلی از قبیل فرش، سماور و... که به مسجد داده شده و متولی شک می‌کند که اینها را وقف بر مسجد کرده‌اند یا هدیه داده‌اند، باید به قدر متیقن که استفاده درخصوص همان مسجد است اکتفا شود و در غیر آن، محل اشکال است. حال سؤال این است که عمل به احتیاط، در مواردی بر خلاف احتیاط است، مثل وسیله‌ای که مسجد از آن بی‌نیاز می‌شود؛زیرا اگر بخواهیم آن را وقف شده به حساب آوریم و به مسجد دیگری بدهیم خلاف احتیاط می‌شود چون محتمل است از املاک مختص مسجد باشد و انتقال آن به مسجد دیگر مجاز نباشد.

(ج) در صورت بنابر ظاهر حال باید از اموال وقف‌شده همان مسجد محسوب شود.

طلای منقوش به اسماء متبرکه

(س) حکم خرید و فروش طلای که روی آن آیۀ قرآن یا اسماء و اوصاف الهی و یا اسماء معصومین(ع) نوشته شده، چیست؟
(ج) نوشتن و قالب‌ریزی آیات قرآنی و اسماء جلاله و امثال آن بر روی طلا و جواهرات اشکال ندارد و خرید و فروش آنها اشکالی ندارد. ولی کسی که می‌خواهد استفاده کند، واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی‌احترامی و تحسّی‌کردن و متّ بدون وضوی آنها خودداری کند.

جزء سوره نبیودن

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم»

(س) آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره محسوب می‌شود؟
(ج) «بسم الله الرحمن الرحيم» در ابتدای سوره‌های قرآن کریم، جزء سوره محسوب نمی‌شود مگر در سوره حمد که جزء آن است؛ اما هر صورت قرأت آن در نماز واجب در ابتدای همه سوره‌ها به جز سوره براءه، واجب است.

اثر مداومت در اعمال مستحبی

بیکارها اثرش کم است، چرا؟ چون یکبار نماز مستحبی خواندن، یکبار انفاق کردن (از این جهت اثرش کم است که گاهی انسان تحت تأثیر یک حالت موقت قرار می‌گیرد و این کار را می‌کند، مثلاً یک واعظی به یک شکل مؤثری برای انسان صحبت می‌کند؛ در آن وقت در انسان حالت عبادت پیدا می‌شود، بعد ممکن است بروز هزار رکعت نماز باشد سر همدیگر بخواند، ولی آن حالت موقت که رفع شد، تا پنج سال دیگر هم بدانش نمی‌رود.

یا یک کسی تحت تأثیر گفتار یک نفر قرار می‌گیرد و یک‌دفعه به اصطلاح لوطی‌گری‌اش گل می‌کند، می‌بیند مثلاً یک‌ثلاث مال خودش را می‌بخشد و می‌گوید این قدرش را من ندادم.

ولی این لوطی‌گری یکبار است. آن یک حالت موقت است، اعتبار ندارد؛ برخلاف آنچه که انسان مداومت کند. وقتی که انسان مداومت بر یک عمل داشته باشد این نشانه‌ای است از اختیارش و اینکه از عمق روح خودش برخاسته است نه‌اینکه دیگری او را تحت تأثیر خود قرار داده باشد.

❖ استاد مطهری، آشنایی با قرآن، ج۹، ص۱۱۱

در مقاله حاضر نویسنده با بررسی واقعیتی به نام **سحر و جادو و جیستی و مراتب آن**، به فلسفه و علت حرمت آن از نگاه قرآن پرداخته و نسبت دام و سحر را تبیین کرده است.

دیدگاه دانشمندان تجربی نسبت به امور متافیزیکی

بر پایه روش‌های تجربی و معیارهای علوم معاصر، حقیقت به چیزهایی گفته می‌شود که با ابزارهای حسی قابل درک باشند و بتوان با تجربه و تکرار در آزمایشگاه، آن را شناخت و تجزیه و تحلیل کرد. همه روش‌های علوم جدید بر این ملاک و معیار استوارند که حقیقت تنها امور واقعی حسی و مادی هستند و حتی روان و اموری دیگر که در عالم برزخ میان ماده و فراماده وجود دارند به سبب نشانه‌ها و آثار مادی، مورد پذیرش قرار می‌گیرند، ولی مسائلی چون روح و امور مجرد دیگر به سبب فقدان آثار و نشانه‌های مادی و یا عدم امکان شناسایی و یا شناسایی آثار و نشانه‌های مادی در عالم ماده، از دایره علوم و همچنین حقیقت و واقعیت بیرون هستند. از نظر نگاه علوم جدید حقیقت همان واقعیت‌های حسی و قابل درک به ابزارهای دادی و حسی می‌باشد؛ بنابراین واقعیتی بیرون از دایره واقعیت‌های حسی و مادی وجود ندارد. از این‌رو هر امری بیرون از این دایره و معیار، امری باطل و خرافی می‌باشد. تلاشی‌هایی که در سال‌های اخیر برای اثبات برخی از امور ظاهر علمی صورت گرفته، تنها همان بخش قابل دست‌یابی به ابزارهای حسی و دارای نشانه‌های مادی را به عنوان حقایق پذیرفته است و هنوز بسیاری از امور دیگر در حوزه امور متافیزیکی در محدوده امور باطل و خرافی دست‌یابی نشده و می‌شود؛ از این‌رو بسیاری از مفاهیم و آموزه‌های دینی هنوز به عنوان امور خرافی، غیر واقعی و باطل معرفی می‌گردد؛ زیرا در نظر این دانشمندان در مورد بیرون از دایره اثبات پذیری و یا باطل پذیری نباشد، نمی‌تواند به عنوان مسائل علمی مطرح شود و نمی‌توان برای آنها حقیقت و واقعیتی را اثبات کرد و در نهایت باید نسبت به آنها سکوت کرد. این خوشبختانه‌ترین واکنش و حالتی است که دانشمندان نسبت به امور متافیزیکی و ماورای طبیعت ماده از خود نشان می‌دهند. این در حالی است که تفسیر حقیقت بلکه واقعیت، فراتر از تعریف و تفسیری است که دانشمندان علوم طبیعی به دست می‌دهند؛ زیرا عدم وجدان چیزی به معنای عدم وجود آن چیز نمی‌باشد. به این معنا که اگر ابزارها و وسایل موجود، این امکان را به بشر نمی‌دهد تا چیزی را با این ابزارها تحلیل و تجزیه کند و در نهایت بشناسد، نمی‌تواند مدعی عدم واقعیت آن شود چه رسد که آن را در دایره باطل و دور از حقیقت بشمارد؛ زیرا به نظر می‌رسد که دایره واقعیت‌ها بیش از آن چیزی است که با ابزارهای حسی قابل شناسایی باشد و این مطلب در سال‌های اخیر با توجه به تأثیرات اموری در ماده که بیرون از دایره واقعیت‌های مادی و علمی به مفهوم روش‌های تجربی بوده، به اثبات رسیده است که از آن جمله می‌توان به تأثیر روان بر تجاوز و ستم دست‌نزدی می‌شود. ماده اشاره کرد. این در حالی است که دایره حقیقت فراتر از دایره واقعیت‌هاست و حقایق تنها امور مادی نیستند که قابل تجزیه و تحلیل باشند. بنابر این سخن گفتن از سحر و جادو و مانند آن به معنای سخن گفتن از امور غیر حقیقت باشد.

نسبت حقیقت و واقعیت

البته می‌توان از زوایه دید دیگر، سحر و جادو را بیرون از دایره حقیقت دانست هر چند که با این زوایه دید، سحر و جادو از دایره واقعیت‌ها بیرون نمی‌رود؛ زیرا واقعیت‌های می‌توانند به یک معنا وجود

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir

برخی دیگر چون صاحب کتاب التحقیق بر این باور است که سحر در اصل، برگرداندن و نشان دادن واقع و حق، به صورت خلال آن است؛ همانند تصرف در دید ظاهری اشخاص یا تأثیر بر فکر و قلب انسان و تصرف در ادراکات صحیح آنان. از این رو دایره مفهومی سحر گسترش می‌یابد و شامل دسته وسیع تری از اعمال و کارهای خارق‌العاده و حتی عادی می‌شود؛ زیرا سحر با توسل جستن به اسباب و وسایل خاصی که در کتاب‌های مربوط آمده و یا با تردستی و حیل‌های پنهان از چشم‌ها انجام می‌شود. (التحقیق؛ حسن مصطفوی؛ ج ۵ ص ۶۷ ذیل واژه سحر) در این صورت شعبه‌بازی و تردستی که به شکل سریع و نهان از چشم‌ها صورت می‌گیرد، به شکل سریع و نهان از چشم به انسان و تصرف و غیر ظاهری در خیال شخص و یا روان وی را شامل می‌شود؛ از این‌رو می‌توان گفت که سحر دارای مراتب متعدد و گوناگونی است و نمی‌توان همه آنها را یک دسته

مراتب سحر

سحر از نظر مفهومی دایره وسیعی از اعمال و حرکات سریع و نهان از چشم به انسان ظاهری و غیر ظاهری در خیال شخص و یا روان وی را شامل می‌شود؛ از این‌رو می‌توان گفت که سحر دارای مراتب متعدد و گوناگونی است و نمی‌توان همه آنها را یک دسته

سحر، واقعیتی باطل

بر این اساس می‌توان گفت که سحر از نظر اسلام واقعیتی است که وجود خارجی دارد ولی حقیقت ندارد و حق نیست؛ به

سحر، تصرف در خیال

دیگری به شیوه و اسباب و

علل ناشناخته است. بنابراین

اگر تصرف با شیوه و اسباب

شناخته شده باشد از دایره

سحر بیرون است و شعبده و

مانند آن خواهد بود و اطلاق

سحر بر آن نادرست است.

سید حمید مرتضوی

قرار داد و حکم واحدی بر آن بار کرد. آنچه در همه این مراتب و شیوه‌های مشترک است، بطلان و ضد ارزشی بودن آن می‌باشد؛ زیرا چه قیوم‌اشکار یا قاتل که ظاهری و باطنی و ستم دست‌نزدی می‌شود و نمی‌توان به آن گرایش یافت بلکه باید با آن به مبارزه برخاست و زمینه‌های نابودی و اضمحلال آن را همانند ستم فراهم کرد. اسلام و قرآن با تأیید واقعیت وجود سحر و جادو، آن را در حوزه امور باطل و ضد ارزشی دست‌نزدی می‌کند و آموزش و تعلیم و تربیت آن را حرام و گناه بر می‌شمارد.

سحر و جادو

اگر به تفسیری که اسلام و قرآن از سحر ارائه می‌دهد توجه شود، به آسانی می‌توان دریافت که از این نظر، سحر یا جادو واقعیت‌های باطلی هستند که باید با آن مبارزه کرد؛ زیرا سحر،

وجود هر چیزی در انسان از جمله توانمندی‌های شگفت برای آن است

که انسان‌ها هر از گاهی با امور ماورای ماده آشنا شوند و در دام ماده و محدودیت آن نیفتند، اما انسانان به جای آنکه از این توانمندی‌ها و سرمایه‌های وجودی برای تعالی و کمال خود و دیگران بهره گیرند آن را در مسیر باطل قرار می‌دهد و این‌گونه است که مصداق واقعی اهل خسران می‌شود و خود و دیگران را به گمراهی و کفر سوق می‌دهد.

به معنای نشان دادن باطل به صورت حق است که از راه خدعه و تریک انجام می‌شود.(معجم مقاییس اللغة؛ ج ۳، ص ۱۲۸ ذیل واژه سحر) برخی گفته‌اند که در کاربدها و اصطلاحات شرعی، سحر به هر کار و عمل مخصوصی اطلاق می‌شود که سبب و علت وجودی آن مخفی و نهان باشد و ریشه در خیال‌پردازی داشته باشد.(تفسیر کبیر فخر رازی؛ ج ۳، ص ۱۸۷)

براساس این تفسیر، می‌توان گفت که سحر، تصرف در خیال دیگری به شیوه و اسباب و علل ناشناخته است؛ بنابراین اگر تصرف با شیوه و اسباب شناخته شده باشد از دایره سحر بیرون است و شعبده و جادو آن خواهد بود و اطلاق سحر بر آن نادرست است. در حقیقت دو مؤلفه اصلی برای سحر بیان شده که عبارت از(اسباب ناشناخته) و (تصرف در خیال آدمی) است. با این حساب تصرف با اسباب شناخته شده و یا در غیر خیال بیرون از دایره سحر خواهد بود.

معنی باز یچه بودن دنیا

«هَؤُلَ» به سرگرمی می‌هایی گفته می‌شود که انسان را از هدف اصلی و مسائل اساسی باز می‌دارد؛ «لَعِبٌ» انجام کاری مثل بازی است که قصدی در آن نیست.«زندگی مادی دنیا از مصادیق لهو است، زیرا آدمی را با زرق و برق خود و آرایش فانی و فریبنده خود، از زندگی باقی و دائمی باز می‌دارد و به خود مشغول و سرگرم می‌کند.

همچنین به اعتباری لعب نیز هست، برای اینکه مانند بازی بچه‌ها فلش و زودگذر است، به خلاف زندگی آخرت، که انسان در آن عالم با کمالات واقعی که از راه ایمان و عمل صالح کسب کرده زندگی می‌کند.»

بنابراین تلاش برای آبادانی دنیا به هیچ عنوان با برتری آخرت بر دنیا منافات ندارد. این تلاش، نه به عنوان هدف زندگی بلکه به عنوان عمل صالح و وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت اخروی است.

افترا؛ گناهی با عذاب‌های سنگین

فرشته محیطی

به افترا(تالی) عمران، آیه ۱۶۱، سحر قلمداد کردن معجزات(صف) آیه ۶۴، افسون‌شدن (شعرا)، آیه ۱۸۵، اسراء، آیه ۱۰۱، نسبت طیفانگری به سمرستی به پیامبران(فهر)، آیه ۱۸۱، نسبت دروغگو به پیامبران(همان)، نسبت زنا به مردان و زنان عقیقانه‌ور، آیه ۲۰، نسبت آموختن قرآن از بشر به پیامبران(تحر)، آیه ۱۰۱ و ۱۰۳، ساختگی دانستن سحر به پیامبران(تحر، آیه ۲۸، نسبت دروغی به پیامبران(اصافات)، آیه ۲۶ ذاریات، آیه ۳۹ و ۱۵۲، قمر، آیه ۹، از عبود(نساء)، آیت ۴۹ و ۵۰، معایت از عذاب در قیامت به جز چند روز(بقره، آیه ۸۰، اهل عمران، آیه ۲۴، گوشه‌ا پرستی و جواز

برای آخرت خویش آنچنان کار کن که گویی فردا از دنیا خواهی رفت.»(۵۰) با توجه به دیدگاه اسلام دربارهٔ زندگی مادی این سؤال پیش می‌آید که منظور قرآن از به کارگیری روز واره «لهو» و «لعب» درباره دنیا چیست؟

آن از سوی خدا(اعراف، آیه ۱۵۲)، خیانت در امانت و نسبت‌دادن جواز بر آن خدا(آل عمران، آیه ۷۵)، اعتقاد به شفاعت پتان بنوئیس، آیت ۱۷ و ۱۸، انتساب فرزند به خدا(بقره، آیه ۱۱۶، ج ۱، آیت ۱ تا ۱۵۰، اعراف، آیت ۳۲ و ۳۳)، تزویه و پاک دانستن خود از عبود(نساء)، آیت ۴۹ و ۵۰، معایت از عذاب در قیامت به جواز

چند روز(بقره، آیه ۸۰، اهل عمران، آیه ۱۱۶۱، نوره، آیه ۳۲) و مانند آنهاست.

بنابراین، کسانی که دنبال افترازند هستند، از همه ابزارها و شیوه‌ها برای رسیدن به اهداف خویش بهره می‌گیرند که می‌توان

برخی دیگر چون صاحب کتاب التحقیق بر این باور است که سحر در اصل، برگرداندن و نشان دادن واقع و حق، به صورت خلال آن است؛ همانند تصرف در دید ظاهری اشخاص یا تأثیر بر فکر و قلب انسان و تصرف در ادراکات صحیح آنان. از این رو دایره مفهومی سحر گسترش می‌یابد و شامل دسته وسیع تری از اعمال و کارهای خارق‌العاده و حتی عادی می‌شود؛ زیرا سحر با توسل جستن به اسباب و وسایل خاصی که در کتاب‌های مربوط آمده و یا با تردستی و حیل‌های پنهان از چشم‌ها انجام می‌شود. (التحقیق؛ حسن مصطفوی؛ ج ۵ ص ۶۷ ذیل واژه سحر) در این صورت شعبه‌بازی و تردستی که به شکل سریع و نهان از چشم‌ها صورت می‌گیرد، به شکل سریع و نهان از چشم به انسان و تصرف و غیر ظاهری در خیال شخص و یا روان وی را شامل می‌شود؛ از این‌رو می‌توان گفت که سحر دارای مراتب متعدد و گوناگونی است و نمی‌توان همه آنها را یک دسته

مراتب سحر

سحر از نظر مفهومی دایره وسیعی از اعمال و حرکات سریع و نهان از چشم به انسان ظاهری و غیر ظاهری در خیال شخص و یا روان وی را شامل می‌شود؛ از این‌رو می‌توان گفت که سحر دارای مراتب متعدد و گوناگونی است و نمی‌توان همه آنها را یک دسته

سحر، واقعیتی باطل

بر این اساس می‌توان گفت که سحر از نظر اسلام واقعیتی است که وجود خارجی دارد ولی حقیقت ندارد و حق نیست؛ به

سحر، تصرف در خیال

دیگری به شیوه و اسباب و

علل ناشناخته است. بنابراین

اگر تصرف با شیوه و اسباب

شناخته شده باشد از دایره

سحر بیرون است و شعبده و

مانند آن خواهد بود و اطلاق

سحر بر آن نادرست است.

صفحه ۶

پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۴

۱۱ شوال ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۸۲۹

خداوند در آیاتی چون ۷۷ سوره یونس و ۶۹ سوره طه و ۳۶ و ۲۷ سوره قصص، سحر را موجب محرومیت از رستگاری و موفقیت انسان می‌شمارد و به همین علت از آن پرهیز می‌دهد. انسان اگر در دامن سحر و جادو بیفتد نمی‌تواند امید آن را داشته باشد که از نعمت‌های آخرتی بهره‌مند شود.

نسبت دعا و سحر

سحر، پهرمندی از توانمندی‌های شخصی است که به شکل خارق‌عاده به این دانسان اشاره می‌کند که در زمان شروع انقلاب اسلامی گروه‌های بی‌دین افزایش یافته بودند و اموری چون صیبه عقد را به تمسخر می‌گرفتند و می‌گفتند که خواندن این کلمات چه تأثیری می‌تواند در عالم تکوین و جهان ماده به جا بگذارد. از این رو منکر برنامه‌هایی چون صیبه عقد ازدواج بودند. در یکی از جلسات شخصی بی‌دین که تحصیل کرده دانشگاه نیز بود، سخنی از این دست را در مجلس عروسی در حضور مسئولان بیان می‌کرد. استاد در آن زمان سخنی نمی‌گوید ولی وقتی مجلس آرام می‌شود بی‌هیچ مقدمه‌ای سخنان درشتی به شخص می‌گوید. آن شخص بسیار ازرده خاطر می‌شود و رنگ رخسارش دم به دم به رنگی در می‌آید. استاد می‌گفت: به شخص گفتم که چرا نااحت شدی، چرا که به قول خودت یاد هوائی بیش نیست و تالی در جهان این‌ها خج ندارد. پس چرا این‌گونه متغیر شدی؟ هر چه به سبب ارتباط میان عوالم، هر عملی در عالمی از عوالم چون تکوین و الفاظ و کلمات در جهان دیگر اثری‌نگرف از خود به جا می‌گذارد. بنابراین نمی‌توان از تأثیر دعا و نوشته‌ها در عالم تکوین غفلت کرد. از این‌رو در آیات و روایات بسیاری از نقش کلمات و تأثیر دعا و ذکر و اوراد و حتی نوشته‌های خاص سخن به میان آمده است و دانش‌هایی

استاد حسن زاده آملی در درس خویش درباره تأثیر عالم لفظ در عالم ماده به این دانسان اشاره می‌کند که در زمان شروع انقلاب اسلامی گروه‌های بی‌دین افزایش یافته بودند و اموری چون صیبه عقد را به تمسخر می‌گرفتند و می‌گفتند که خواندن این کلمات چه تأثیری می‌تواند در عالم تکوین و جهان ماده به جا بگذارد. از این رو منکر برنامه‌هایی چون صیبه عقد ازدواج بودند. در یکی از جلسات شخصی بی‌دین که تحصیل کرده دانشگاه نیز بود، سخنی از این دست را در مجلس عروسی در حضور مسئولان بیان می‌کرد. استاد در آن زمان سخنی نمی‌گوید ولی وقتی مجلس آرام می‌شود بی‌هیچ مقدمه‌ای سخنان درشتی به شخص می‌گوید. آن شخص بسیار ازرده خاطر می‌شود و رنگ رخسارش دم به دم به رنگی در می‌آید. استاد می‌گفت: به شخص گفتم که چرا نااحت شدی، چرا که به قول خودت یاد هوائی بیش نیست و تالی در جهان این‌ها خج ندارد. پس چرا این‌گونه متغیر شدی؟ هر چه به سبب ارتباط میان عوالم، هر عملی در عالمی از عوالم چون تکوین و الفاظ و کلمات در جهان دیگر اثری‌نگرف از خود به جا می‌گذارد. بنابراین نمی‌توان از تأثیر دعا و نوشته‌ها در عالم تکوین غفلت کرد. از این‌رو در آیات و روایات بسیاری از نقش کلمات و تأثیر دعا و ذکر و اوراد و حتی نوشته‌های خاص سخن به میان آمده است و دانش‌هایی

استاد حسن زاده آملی در درس خویش درباره تأثیر عالم لفظ در عالم ماده به این دانسان اشاره می‌کند که در زمان شروع انقلاب اسلامی گروه‌های بی‌دین افزایش یافته بودند و اموری چون صیبه عقد را به تمسخر می‌گرفتند و می‌گفتند که خواندن این کلمات چه تأثیری می‌تواند در عالم تکوین و جهان ماده به جا بگذارد. از این رو منکر برنامه‌هایی چون صیبه عقد ازدواج بودند. در یکی از جلسات شخصی بی‌دین که تحصیل کرده دانشگاه نیز بود، سخنی از این دست را در مجلس عروسی در حضور مسئولان بیان می‌کرد. استاد در آن زمان سخنی نمی‌گوید ولی وقتی مجلس آرام می‌شود بی‌هیچ مقدمه‌ای سخنان درشتی به شخص می‌گوید. آن شخص بسیار ازرده خاطر می‌شود و رنگ رخسارش دم به دم به رنگی در می‌آید. استاد می‌گفت: به شخص گفتم که چرا نااحت شدی، چرا که به قول خودت یاد هوائی بیش نیست و تالی در جهان این‌ها خج ندارد. پس چرا این‌گونه متغیر شدی؟ هر چه به سبب ارتباط میان عوالم، هر عملی در عالمی از عوالم چون تکوین و الفاظ و کلمات در جهان دیگر اثری‌نگرف از خود به جا می‌گذارد. بنابراین نمی‌توان از تأثیر دعا و نوشته‌ها در عالم تکوین غفلت کرد. از این‌رو در آیات و روایات بسیاری از نقش کلمات و تأثیر دعا و ذکر و اوراد و حتی نوشته‌های خاص سخن به میان آمده است و دانش‌هایی

برای رهایی از آسیب‌ها و شرور جادو و سحر آشکار و نهان مردم، می‌توان به خواندن معوذتین(سوره‌های فلق و ناس) پناه برد و یا برای هر دردی آیاتی چون آیۀ الکرسی و وامن یجیب را خواند.

چون سحر و کیمیا و سیمیا و جفر و رمل و دیگر علوم غریبه به وجود آمده‌اند پس نمی‌توان از ارتباط سخن و کلام با جهان تکوین سخن نگفت در حالی که حتی خداوند بر این نکته تأکید می‌کند که جهان تکوین بر اساس کلام(کریم) وجودی تحقق یافته است. **راه رهایی از سحر و دفع آن**

بی‌گمان، سحر بیش از آنکه در مسیر حقیقت باشد در مسیر باطل حرکت می‌کند؛ زیرا انسان‌ها اغلب از توانمندی‌های خویش بیشتر در مسیر مادی و دنیوی بهره می‌جویند و به شکل ضد این توانمندی‌ها استفاده می‌کنند. این‌گونه کسی که اصل بر فساد سحر و بطلان آن قرار داده می‌شود. کمتر کسی است که از آن برای شناخت توانمندی‌های بشری و ارتباط با ماورای ماده و خدانود و تقرب به وی بهره‌برد. از این‌رو تعلیم و تعلم آن حرام دانسته شده است.

کسانی که دارای گرفتاری‌های مختلف هستند بهتر آن است که به جای هر سحری از سحر دعا و ذکر و پرهیز از آیات و کلمات قرآنی بهره‌جویند؛ زیرا کلمات قرآن، کلام خود خداست و همان گونه که جهان متأثر از کلمات کن و وجودی الهی، تحت تأثیر همین کلمات می‌تواند در آن جهان نیز تغییر یابد.

این ابزارهای مختلف سحر می‌تواند هم بر قوای ادراکی و خیالی انسان تأثیر بگذارد(طه آیه ۶۶) و هم می‌تواند بر قوه بینایی اثر ال(نعرالعرف آیه ۱۱۶) و هم می‌تواند بر جان انسان تأثیری را به جا بگذارد.(مذثر آیه ۴۴) بنابراین باشت و ضعف یافتن توانمندی‌های بشر، انواع تأثیرات و تاثرات نیز متفاوت می‌شود. در برخی از آیات قرآن که به تأثیر شگفت‌انز در تأثیرگذاری اشاره شده و به نظر می‌رسد که زنان در این زمینه از قدرت بیشتری برخوردار می‌باشند. در آیه ۴ سوره فرقان زن سحری سخنی می‌گوید که در گرها می‌دمند و موجبات شر و بدبختی دیگران را فراهم می‌کنند.

به‌طور مشخص، سه عامل عمده را می‌توان در افول تمدن اسلامی مؤثر دانست: اول. جنگ‌های صلیبی به وسوسه یهودیان و با هجوم مسیحیان؛ دوم. حمله مغولان به وسوسه یهودیان و با هجوم مغول‌ها؛ سوم. بی‌لباقتی، سستی، ناتوانی و ضعف گسترده عباسیان در اثر انحراف از دین و جنگ‌های داخلی.

منابع برای مطالعه بیشتر:
۱.ات. مؤننگری، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه و توضیح عبدالحمید الحممدی، تهران انتشارات مولی، ۱۳۶۱، صص۱۰۷-۱۱۶-۱۲۰.
۲.لکزلی، شریف، مقاله علم غلط تمدنی و عقیده‌اندکی جویع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر، فرهنگ‌نامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (۳ پیاپی)

۱. هود، آیه ۶۱.
۲. اسراء، آیه ۱۲/ قصص، آیه ۷۲.
۳. صدوق، این بابویه من لایضره الفقیه، مصحح علی‌کر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی چاپ دوم، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۵۶.
۴. امین‌الله، رفیع، افرعات، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۵۵.
۵. کر، کاتبیطایی، سید محمدحسین المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ق، صص ۱۶۳، ۲۲۶-۲۲۵.
۶. بقره، آیه ۱۸۶.
۷. عوبه، قم، ۱۰۰۰.
نجم، آیه ۳۹.
۱۰. مطهری، مرتضی، اسلام و نیزهای زمان، بخشی از بازنگر گفتار، مجموعه آثار، صدر، ۱۳۸۹ش، ج ۲۱، صص(۴۶-۴۴.
۱۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه به مقاله تمدن اسلامی، دلایل زوال و انحطاط آن، رجوع نشود؛ بسج، احمدرضا مقاله «تمدن اسلامی» دلایل زوال و انحطاط آن، فصلنامه معرفت، شماره ۱۰۰.

۱. قول ششدن حق و جایگاه مستقل برای عقل در حیرم دین و طرد مسائل دینی ضد عقل، بر اساس قرآن که بسیار بر تعقل تأکید می‌وزرد و عقل را یکی از منابع چهار گانه استنباط احکام الهی می‌داند.
۲. احترام به سخت‌کوشی و بهبودی معاش، براساس قرآن
(۳) بنابراین مسیحیان پروتستان هر سه اصل را تسقیما از اسلام گرفتند»

افول تمدن اسلامی

اما چرا تمدن اسلامی با این همه عظمت و شکوه و ارزش و جلال و گستردگی جغرافیایی و تمدنی، به افول کرد؟
انحطاط مسلمانان، عوامل خارجی و داخلی چندی داشت. به‌طور مشخص، سه عامل عمده را می‌توان در افول تمدن اسلامی مؤثر دانست:
اول. جنگ‌های صلیبی به وسوسه یهودیان و با هجوم مسیحیان؛ دوم. حمله مغولان به وسوسه یهودیان و با هجوم مغول‌ها؛ سوم. بی‌لباقتی، سستی، ناتوانی و ضعف گسترده عباسیان در اثر انحراف از دین و جنگ‌های داخلی
(۱)

۱. قول ششدن حق و جایگاه مستقل برای عقل در حیرم دین و طرد مسائل دینی ضد عقل، بر اساس قرآن که بسیار بر تعقل تأکید می‌وزرد و عقل را یکی از منابع چهار گانه استنباط احکام الهی می‌داند.
۲. احترام به سخت‌کوشی و بهبودی معاش، براساس قرآن
(۳) بنابراین مسیحیان پروتستان هر سه اصل را تسقیما از اسلام گرفتند»

به سخن دیگر، از نظر قرآن، ایمان به خدا و اهداف الهی موجب می‌شود تا انسان از افترا نسبت به دیگری دور شود و در مسیر حق و عدالت سخن بگوید و در دام افترا نیفتد.(نحل، آیه ۱۰۵)
بنابراین، کسانی که گرفتار افترا بوده‌ه به خدا و پیامبران و حتی نسبت به مؤمنان می‌شوند، مردمانی بی‌ایمان و فرستادار حیات دنیاگرایی و شیطانی هستند. از همین‌رو خدا افترا را حرام و گناهی بزرگ می‌داند که نباید در دام آن بیفتند.(نساء، آیه ۱۱۲، احزاب، آیه ۵۸)

افترا گناه و جرم است و افترا به خدا و پیامبران گناهی عظیم به شمار می‌رود. بنابراین، اهل افترا جزو مجرمان(یونس، آیه ۱۷، طالمسان(آل عمران، آیه ۹۴، انعام، آیت ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴)، کافران(زمر، آیه ۱۳)، عینکوبت(آیه ۶۸) و گمراهان(انعام، آیت ۱۴۰ و ۱۴۴) و فاسقان(نور، آیه ۴) هستند و به همین سبب گرفتار لعن و نفرین خدا می‌شوند(مائده، آیه ۶۴، توبه، آیه ۳۰) و به سبب رفتنگی در دین(آل عمران، آیه ۲۴) مورد غضب الهی(اعراف، آیه ۱۵۲) قرار گرفته و به عنوان زیانکاران(اعراف، آیه ۵۲، انعام، آیه ۱۴۰)، گرفتار ذلت و خوار و آخرت می‌شوند(اعراف، آیه ۲۳) در هذات‌الهی(صفر، آیه ۷) و سزای محروم می‌گردند. (۱۵۲)

پیامبران(ذاریات، آیت ۲۹ و ۵۲)، نسبت سفاقت به پیامبران(اعراف، آیه ۶۶) نسبت بی‌عفتی و خدشه به همسران پاکدامن(نساء)، آیه ۲۰، ادعای مغفرت الهی با اصرار بر گناه بدون توبه(اعراف، آیه ۱۶۹)، ادعای پارسنگی و پاکی و امتیازات ویژه از سوی خدا(نساء، آیت ۴۹ و ۵۰)، نسبت بازرگری به پیامبران(انعام، آیه ۵۵)، نسبت دروغ به پیامبران در دعوت مردم به عبادت خود(آل عمران، آیت ۷۸ و ۸۰) و مانند آنها اشاره کرد.

عوامل و آثار افترا و پیامدهای آن

کسانی گرفتار افترا و نسبت‌های دروغین جعلی می‌شوند که به شمار می‌رود. بنابراین، اهل افترا جزو مجرمان(یونس، آیه ۱۷، نجم، آیت ۳۷ و ۲۸)، گمان‌گرایی(همان)، عدم تعقل(مائده، آیه ۱۰۳، یونس، آیت ۱۶ و ۱۷)، کفر و بی‌ایمانی(مائده، آیه ۱۰۱، نحل، آیه ۱۰۱)، دنیاطلبی و کسب منافع دنیوی(اعراف، آیه ۱۶۹)، روحیه استکباری(انعام، آیه ۹۳)، پی